بررسی روایت معیار در یادمان طلائیه

(بر مبنای گزارش روایت حجت الاسلام مهدی فلاح تهرانی)

نگارش و تدوین: سیدمحمد طباطبایی*

یادمان شهدای طلائیه (عملیات خیبر)

منطقه طلائیه در منتهی الیه جنوب غربی دشت آزادگان و یکی از محورهای اصلی حمله رژیم بعث صدام در روزهای آغازین جنگ تحمیلی و محور عملیات‌های خیبر و بدر بود. عملیات خیبر و ورود قوای ایران به خاک عراق آغاز تحولی دیگر پس از فتح خرمشهر بود و از لحاظ سیاسی فشار زیادی بر رژیم صدام وارد کرد. تسلط ایران به ذخایر نفتی جزایر مجنون برگ برنده‌ای در مذاکرات سیاسی درباره سرنوشت جنگ به شمار می‌رفت.

عملیات خیبر در تاریخ ۱۳۶۲/۱۲/۳ با رمز یا رسول الله (ص) در ساعت ۲۱:۳۰ با فرماندهی مشترک سپاه و ارتش به منظور عبور از هور، تهدید شهر بصره و تصرف جزایر مجنون آغاز گردید. علی‌رغم پیش روی در جزایر مجنون به دلیل ملحق نشدن نیروهای خودی از محور طلائیه، مقاومت شدید دشمن و رها ساختن آب کانال سوئیب به منطقه و باتلاقی شدن آن، ایجاد موانع و میادین مین و حجم آتش فراوان، ادامه عملیات با مشکل مواجه گردید. همچنین عملیات قرارگاه کربلا در محور زید موفقیت آمیز نبود. امام خمینی (ره) پس از استماع گزارش فرماندهان از سختی عملیات با تاکید بر حسین وار جنگیدن فرمودند: «جزایر حتما باید نگه داشته شوند، هرطور که شده» این فرمان موجب تقویت انگیزه رزمندگان و ناکام گذاشتن دشمن در حمله ۷۲ ساعته دشمن برای باز پس گیری جزایر مجنون شد. رژیم بعثی صدام برای اولین بار در این عملیات به طور گسترده اقدام به بمباران شیمیایی کرد. نصب پل بی‌نظیر خیبر توسط مهندسی جنگ جهاد به طول ۱۳ کیلومتر روی آب‌های هور یکی از موفقیت‌های بی سابقه در تاریخ نظامی ایران در این عملیات بود که به گفته مسئولین دولت آمریکا دست پیدا کردن به پل قایقی با چنین طولی، در تاریخ نظامی مدرن بی سابقه است.

حاج ابراهیم همت فرمانده لشکر ۲۷، حمید باکری جانشین لشکر ۳۱ و اکبر زجاجی جانشین لشکر ۲۷ از شهدای شاخص این عملیات هستند.

ستاد مرکزی راهیان نور

چکیده

در این یادداشت پس از بررسی و تحلیل شاخص‌ها و مؤلفه‌های روایت معیار در یادمان طلائیه -براساس روایت یکی از راویان مستقر در یادمان- به ویژگی‌های روایت معیار و جامع در یادمان اشاره می‌شود. راوی روایتی که برای بررسی انتخاب شده است، حجت‌الاسلام مهدی فلاح تهرانی از راویان باسابقه مرکز سیره شهدای قم است که سال‌هاست به‌عنوان راوی در مناطق عملیاتی به روایت دفاع مقدس مشغول است. این روایت، در یکی از روزهای پایانی اسفند ۱۳۹۵ در محوطه یادمانی طلائیه (سه راهی شهادت) در جمع صدنفره دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهرستان شبستر نقل شده است.

مقدمه

نزدیک ظهر است ... کاروان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شبستر پس از طی مسیر از روی دژ طلائیه، حرکت خود را درحالی‌که همه با هم نوای دلنشین "کجایید ای شهیدان خدایی" را زمزمه می‌کردند، به‌سمت محوطه یادمان در سه‌راهی شهادت ادامه دادند. در ساعت نزدیک به اذان ظهر که اوج حضور کاروان‌های راهیان نور در طلائیه است، پیداکردن محل مناسب برای تعداد حدود ۱۰۰نفر -برای نشستن- کمی سخت به‌نظر می‌رسد، آن هم کاروانی که دختر و پسر در آن مختلط هستند که این امر نیز خود از ضعف‌های این کاروان دانشجویی هم محسوب می‌شود. به‌هرحال، با کمک و هدایت حاج‌آقا فلاح، راوی مستقر در طلائیه، جای مناسبی در ضلع شمالی محوطه یادمان در نظر گرفته شد و دانشجویان توانستند پس از استقرار، آمادهٔ شنیدن روایت شوند. راوی از زائران و دانشجویان خواست که پشت به آفتاب بنشینند. این کار در آن ظهر داغ در بیابان طلائیه برای فضای روایتگری لازم بود، به‌ویژه‌که

* پژوهشگر مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

دانشجویان از خطه آذربایجان و از منطقه‌ای سردسیر آمده بودند و حالا در زیر آفتاب داغ ظهر طلائیه، صورت‌هایشان حسابی گل انداخته بود.

در ابتدا یکی از دانشجویان عضو کاروان با تلاوت آیات سوره قدر فضای روایت را به نور قرآن منور کرد.

محورهای کلی روایت

راوی این روایت، طلبه جوان آقای مهدی فلاح تهرانی، در ابتدای روایت ضمن توضیحی دربارهٔ جغرافیای منطقه به مباحث عملیاتی خیبر نیز اشاره‌ای گذرا کرد. او در ادامه دربارهٔ واقعیات جنگ صحبت کرد، سپس با برشمردن برخی از مشکلات مربوط به جنگ مثل مجروحیت، تشنگی، اسارت و... تأکید کرد که مقاومت با سختی عجین است، ولی پایان آن با شیرینی همراه است. رزمندگان اسلام این سختی را با جان خریدند. بیان سیره عملی شهدا محور دیگر روایت راوی بود. آقای فلاح در ادامه روایت علاوه بر بحث دربارهٔ رفتارهای رزمندگان، جنبه‌های مختلف سیره فکری و عملی شهدای گرانقدر هشت‌سال دفاع مقدس مثل اخلاص، عشق، حماسه، ایثار، صبر، مقاومت، تکلیف‌گرایی و ولایت‌مداری را بررسی کردند. جنبه‌هایی که همگی به زیبایی در قالب خاطرات دلنشین از شهدا برای دانشجویان حاضر بیان شد. محور مهم دیگر روایت راوی، برقراری پیوند میان عاشورا و دفاع مقدس است. راوی در این روایت به زیبایی پیوندی معنوی بین هشت سال دفاع مقدس و حرکت عاشورای امام حسین (ع) برقرار و با بیان خاطراتی از رشادت رزمندگان اسلام در طلائیه، صحنه‌های عاشورایی دفاع مقدس را برای حاضران روایت کرد.

در ادامه ضمن معرفی یادمان طلاییه روایت راوی را از نظر شکلی و محتوایی و با درنظرگرفتن شاخص‌های روایت در یادمان طلاییه بررسی می‌شود.

معرفی مختصر یادمان طلائیه

طلائیه در جنوب غربی دشت آزادگان در استان خوزستان واقع شده است. این منطقه، محل وقوع عملیات خیبر و بدر در سال‌های ۱۳۶۲-۶۳ است که نام آن با جزایر مجنون گره خورده. مقاومت بی‌نظیر رزمندگان اسلام در طلائیه با صحنه-هایی حماسی و ایثار خیره‌کننده همراه بوده که در تاریخ دفاع مقدس نیز ثبت شده است. در جمله معروفی که از شهید عبدالله میثمی نقل شده است نشان داده می‌شود که جنس مقاومت در خیبر و طلائیه عاشورایی و حماسی بوده است، با این مضمون که «هرکس در طلائیه ایستاد اگر در کربلا هم می‌بود، می‌ایستاد».

پس از پایان جنگ، در طلائیه که محل عروج و آسمانی‌شدن رزمندگان اسلام به‌شمار می‌رود، مقری برای تفحص و جست‌وجوی پیکرهای شهدا دایر و در نقطه‌ای که تعداد زیادی از شهدای طلائیه کشف شدند، حسینیه‌ای به‌نام حضرت ابوالفضل(ع) بنا شد. در این حسینیه مقبره پنج شهید گمنام قرار دارد. در یادمان طلائیه، سه‌راهی شهادت نیز نام یک مفهوم جغرافیایی است که معمولاً محل تجمع کاروان‌های راهیان نور و روایتگری جنگ است.

چهارچوب‌های روایت یادمان طلائیه

قبل از هر بحثی در زمینه نقد و بررسی این روایت، باید چهارچوب روایت مطلوب ارائه شود. اولین نقدی که به روایت های راهیان نور وارد می‌شود این است که اغلب

روایت راویان دفاع مقدس، یادمان طلائیه، اسفند ۹۵

روایت‌ها بدون قالب و چهارچوب مشخص هستند. ازاین‌رو، در اولین بخش از این یادداشت سعی می‌شود ابتدا چهارچوب کلی روایت یادمان طلاییه ارائه و سپس روایت در همان چهارچوب بررسی شود.

الف- ظرفیت‌های شکلی موجود در روایت یادمان طلائیه

هر یادمانی در راهیان نور از نظر شکلی و ظاهری ظرفیت‌های خوبی برای روایتگری ایجاد کرده است که توجه به این ظرفیت‌های شکلی می‌تواند به کیفیت‌بخشی از روایت راوی کمک زیادی کند. در زیر به برخی از این ظرفیت‌ها اشاره می-شود.

۱. اجرای برنامه تحیّت و سلام حین ورود به یادمان با خواندن اشعار حماسی یا دعاهای جمعی. نمونه رایج چنین برنامه‌ای اجرای هماهنگ سرود "کجایید ای شهیدان خدایی..." است که در این کاروان هم به‌خوبی اجرا شد و اهالی کاروان دانشجویی را برای یک روایت معنوی در یادمان آماده کرد.

۲. تلاوت قرآن. ازآنجاکه محافل معنوی و علمی به برکت نور قرآن، ثمربخش‌تر خواهند شد، تلاوت آیاتی از کلام‌الله در ابتدای روایت توسط یکی از اعضای کاروان می‌تواند به ایجاد فضای معنوی‌تر روایت کمک بیشتری کند. در این روایت نیز یکی از حاضران با صدای دلنشین آیاتی از قرآن را تلاوت کرد.

۳. قراردادن مخاطب در فضای یاد خدا و توسل به اهل بیت و شهدا و بیان مقتل شهدا در فضای روضه‌خوانی در حین یا انتهای روایت. اتصال مقتل شهیدان و مقتل امام حسین(ع) از این نظر که دفاع مقدس امتداد راه کربلا بود، می‌تواند در فضاسازی و اثربخشی روایت نقشی مهم بازی کند. در این روایت نیز راوی با توجه به وقت و حوصله کاروان به مقتل شهدا و امام حسین(ع) اشاره‌ای مختصر می‌کند که از نظر شکلی می‌تواند اثر مثبت در

فضای روایت داشته باشد.

۴. درنظرگرفتن فرصتی ویژه برای خلوت‌کردن زائر با خود و زمزمه با شهدا. با ابتکار راوی از این ظرفیت شکلی نیز در انتهای روایت به‌خوبی بهره‌برداری شد.

۵. زیارت مزار شهدای یادمان. معمولاً در هر یادمانی تعدادی از شهدای مظلوم دفاع مقدس که عمدتاً گمنام هستند مدفون هستند. مسلماً زیارت جمعی همراه قرائت زیارت عاشورا از نظر شکلی می‌تواند ظرفیت خوبی برای کاروان راهیان نور باشد. از نتایج مهم این سفر انس با شهیدان و ذکر و یاد ایثار و مجاهدت آنان است که هنگام زیارت شهدا در یادمان‌های عملیاتی بروز خواهند کرد. حسینیه حضرت ابوالفضل(ع) که در قلب بیابان طلائیه قرار گرفته، میزبان هشت شهید گمنام است.

ب- ظرفیت‌های محتوایی موجود در روایت یادمان طلائیه

هر یک از یادمان‌ها ویژگی منحصربه‌فردی دارند که آن را از یادمان‌های دیگر متمایز می‌کند و بالطبع برای ارائه به مخاطب به روایت‌گری خاصی نیاز دارد. راوی، باید با شناخت کافی از هر یادمان و با توجه به ویژگی‌های یادمانی، تصویری خاص و منحصربه‌فرد از هر یادمان، در ذهن داشته باشد و مطابق با آن برنامه‌ریزی و موضوع خود را انتخاب کند. برای این منظور می‌توان هر یادمان را "مظهر و نماد" مسئله و موضوعی خاص معرفی کرد، سپس متناسب با آن تعدادی "سوژه روایت" را انتخاب و برای مخاطب حاضر در کاروان بیان کرد؛ یعنی فضای هر یادمان به ما می‌گوید که چه سناریو و مطالبی را می‌توانیم برای روایت انتخاب و بیان کنیم. در این بخش بیشتر به ظرفیت‌های محتوایی یادمان طلائیه اشاره خواهد شد.

الف- جغرافیا و تاریخ منطقه: در بخش اول روایت، بهتر است راوی طبق یک سناریو اطلاعاتی دربارهٔ جغرافیای منطقه (موقعیت جغرافیایی طلائیه، ویژگی‌های آب‌وهوایی و عوارض طبیعی زمین منطقه) و سابقه آن در طول تاریخ ارائه کند. درواقع، در این بخش مخاطب باید متوجه شود که کجا قرار گرفته است و آن منطقه به‌لحاظ اهمیت ژئوپلتیکی چه اهمیتی دارد. راوی همچنین می‌تواند در این بخش خلاصه‌ای از ویژگی‌های فرهنگی مردم و عشایر ساکن در هور و طلائیه را هم برای مخاطبان بیان کند.

روشن‌شدن این موضوعات در ذهن مخاطبان به شکل‌گیری درست مسیر روایت در ذهن آنها کمک می‌کند. درواقع، ارتباط مخاطب با منطقه یادمانی از همین جا شروع می‌شود.

حجت‌الاسلام فلاح در این روایت، جغرافیا و تاریخ منطقه را به‌طور خلاصه چنین شرح می‌دهد «... بچه‌ها اینجایی که نشستید، پشت سر شما (اشاره راوی به جنوب) به فاصله حدوداً ۸کیلومتری مرز کوشک هست که تا پاسگاه زید امتداد دارد. سمت چپ شما که تا مرز ۱۲-۱۰ کیلومتر فاصله هست، هورالعظیم قرار گرفته که تا جزایر مجنون شمالی و جنوبی ادامه دارد. روبه‌روی شما منطقه عمومی جفیر قرار گرفته که به‌سمت دشت آزادگان و داخل خوزستان امتداد دارد (این منطقه عملاً عقبه نیروهای ما در عملیات خیبر محسوب می‌شد). در سمت راست شما هم جاده مهم اهواز– خرمشهر و رودخانه کارون و پادگان حمید قرار گرفته است. دشمن در ابتدای تهاجم به کشورمان برای ورود به خاک خوزستان، از سه محور، عملیات انجام داد. محور شمالی که از سمت فکه و چزابه بود. محور میانی که برای تسلط بر جاده اهواز – خرمشهر و منطقه طلائیه و محور سوم

هم که محور جنوبی، یعنی شلمچه بود...»

پس راوی باید دقت کند که ذهن مخاطب را با منطقه‌ای که در آن قرار دارد هرچه بیشتر و بهتر آشنا کند. ذهن مخاطب به-دلیل فطرت جست‌وجوگری که دارد، در اولین مواجهه با پدیده‌های جغرافیایی و تاریخی از خود می‌پرسد کجا هستم؟ راوی باید این نیاز فطری مخاطب را درک کند و با کوتاه‌ترین جملات، مخاطب را متوجه کند که در چه منطقه‌ای قرار دارد و اهمیت منطقه‌ای که در آن قرار دارد، برای چیست.

ب- سیر کلی جنگ: در این بخش، راوی باید سعی کند سیری کلی از جنگ را تا عملیات خیبر برای مخاطبان شرح دهد؛ اینکه چه اتفاقاتی در طول جنگ افتاد و چه مسیری را طی کردیم تا به عملیات خیبر رسیدیم و نیز چه شد که در سال ۱۳۶۲ تصمیم گرفتیم عملیات را در منطقهٔ هور انجام دهیم. پاسخ به این پرسش‌های اساسی درواقع راوی را در فضای سیر جنگ قرار خواهد داد و او نیز با دادن پاسخ‌های کوتاه می‌تواند نقشی مهم در روشن‌شدن ذهن مخاطبان بازی کند.

راوی روایت طلائیه (حجت الاسلام فلاح) سیر جنگ تا عملیات خیبر را برای مخاطب خود با عباراتی خلاصه چنین تعریف می‌کند «... در ابتدای جنگ به مدت ۱۸ماه، منطقه طلائیه در جنوب خوزستان در تصرف دشمن بعثی بود تا اینکه در عملیات بیت‌المقدس همه این مناطق از دب حردان گرفته تا سوسنگرد و از آنجا تا پاسگاه زید و شلمچه و نهایتاً خرمشهر، در دومین عملیات بزرگ دفاع مقدس یعنی بیت‌المقدس آزاد شدند. در سوم خرداد نیز جشن پیروزی در خرمشهر گرفته شد... بعد از عملیات بیت‌المقدس، اولین عملیات- با هدف تنبیه متجاوز و تعقیب دشمن در خاک خودش و درواقع برای فشارآوردن به دشمن در جهت پذیرش حق ایران- در ماه مبارک رمضان و به همین نام در محدوده پاسگاه زید انجام شد (تیرماه ۱۳۶۱) که متأسفانه با عدم‌الفتح مواجه شد و طراحان آن به نتیجه مطلوبی دست نیافتند. پس از عملیات رمضان در سال ۱۳۶۲عملیات خیبر- با هدف ورود به خاک عراق و تحت فشار قراردادن عراق به‌منظور پایان‌دادن به جنگ و درگیری و همین‌طور تصرف جزایر مجنون شمالی و جنوبی و تسلط بر جاده العماره—بصره- طراحی و عملیاتی شد».

ج- شرح عملیات: در این بخش، راوی باید مطالب مربوط به عملیات‌های مهم هر یادمان را که در تاریخ جنگ هشت‌ساله تحمیلی ثبت و ضبط شده است، به اختصار بیان کند. برای مثال، عملیات‌های خیبر و بدر به یادمان طلائیه مربوط می‌شود و راوی باید دربارهٔ این دو عملیات مهم مباحثی را مطرح کند. البته میزان مطالبی که راوی در این بخش روایت می‌کند باید با وقت کاروان و حوصله و سطح فکری مخاطب متناسب باشد. همچنین در این بخش روای می‌تواند دربارهٔ هدف عملیات، محورهای عملیات، یگان‌های تعیین‌کننده در عملیات، حوادث خاص و ابتکارات هنگام اجرای عملیات و مطالبی از این دست صحبت کند. البته بسته به نوع مخاطب و نیاز او مطالب این بخش می‌تواند بسط یابد یا خلاصه شود. برای مثال، طبیعی است که دانشجویان به شنیدن ابعاد و جزییات عملیات‌ها بیشتر تمایل داشته باشند. برعکس در کاروانی که اعضای آن را دانش‌آموزان دختر تشکیل می‌دهند صحبت دربارهٔ جزییات عملیات نمی‌تواند چندان مفید باشد. در این موارد راوی باید با بیان رسا و گیرا به کلیاتی از عملیات بسنده کند، البته بیان همان کلیات هم باید دقیق و مستند باشد، چراکه

مطالب آنها به تاریخ جنگ هشت‌ساله تحمیلی عراق و ایران مربوط می‌شود. بنابراین، راوی باید دقت کند که ناخواسته در دام تحریف تاریخی قرار نگیرد.

از سوی دیگر، یکی از مواردی که در روایت‌های راویان راهیان نور بسیار مشاهده می‌شود، ضعف در ارائه مباحث نظامی و عملیاتی است. برای مثال، در این روایت، راوی چندان به مباحث عملیاتی و نظامی یادمان اشاره نمی‌کند. عملیات بزرگ و سرنوشت‌سازی همچون خیبر را که با یادمان طلائیه تناسب مکانی دارد، می‌توان از زوایای مختلفی که در بالا به آن اشاره شد، به‌ویژه برای جوانان دانشجو تبیین و بررسی و سپس در فضای روایت تحلیل کرد. اما راوی شاید به‌علت کمبود وقت و بها دادن به اولویت‌های دیگر، دربارهٔ مباحث عملیاتی منطقه کمتر صحبت می‌کند.

یکی از مواردی که در روایت‌های راویان راهیان نور بسیار مشاهده می‌شود، ضعف در ارائه مباحث نظامی و عملیاتی است. برای مثال، در این روایت، راوی چندان به مباحث عملیاتی و نظامی یادمان اشاره نمی‌کند

راوی می‌تواند درباره ابعاد مختلف عملیات‌های بدر و خیبر مطالب فراوانی برای مخاطبان ارائه کند که در اینجا به اهم آنها اشاره می‌شود:

۱. عملیات خیبر نماد ابتکار و خلاقیت در طراحی و اجرا (اولین عملیات آبی – خاکی)؛

۲. شناسایی عمیق و دقیق در هور (دلیلی بر عقلانیت در جنگ – قرارگاه نصرت و شهید علی هاشمی)؛

۳. حمایت گسترده کشورهای غربی و عربی از صدام و سخت‌شدن شرایط برای ایران در وضعیت تحریم‌ها؛

۴. موانع پیچیده دشمن در طلائیه و زید (نشانه‌ای از همکاری جهانی با صدام علیه ایران)؛

۵. اهمیت جزایر مجنون؛

۶. بمباران شیمیایی دشمن و جنگ شهرها (نماد مظلومیت ایران در جنگ)؛

۷- سختی‌های جنگ (عملیات در هور و باتلاق و مواجهه با حجم سنگین آتش دشمن و ...).

۸. خیبر، پایان بن‌بست در جنگ و ... .

د- موضوعات حماسی– معرفتی (ادبیات روایت طلائیه): طلائیه را به سبب جنس حوادثی که در آن رخ داده است، سرزمین مقاومت نامیده‌اند. بخشی از حوادث دو عملیات بزرگ دوران دفاع مقدس، بدر و خیبر، در این محور اتفاق افتاده است. بدر و خیبر، درواقع نماد ابتکار و خلاقیت در طراحی و نماد قدرت و حماسه در عبور از هوا به‌شمار می‌روند. روزهای مظلومیت و مقاومت غریبانه یاران امام خمینی(ره) در طلائیه، صحنه‌های حماسی فراوانی را در این نقطه از خاک کشورمان خلق کرده است که راوی باید آنها را با هنرمندی برای مخاطبان راهیان نور ترسیم و توصیف کند.

راوی (حجت‌الاسلام فلاح) در این بخش، برخی از حماسه‌های طلائیه را به‌خوبی شرح می‌دهد «... یکی از بچه‌های لشکر ۱۴ امام حسین(ع) تعریف می‌کند که وقتی رسیدیم به این منطقه (طلاییه)، شب بود و همه‌جا را آب گرفته بود. همین‌طور که جلو می‌رفتیم حس کردم زیر پام یه جوری شد! بیشتر دقت کردم دیدم پاهام روی صورت یک نفر قرار گرفته. دیدم صورت یک بسیجی با پیشانی بند یازهرا – که بعدها فهمیدم از بچه‌های لشکر ۲۷ بودند – در میان گل‌ولای افتاده بود. هنوز زنده بود. سرم را آوردم به‌سمت صورتش و بهش گفتم: بسیجی

به‌خدا شرمنده‌ام. عذر می‌خوام که پا روی صورتت گذاشتم. دیدم نای حرف زدن نداره، ولی به‌خوبی از چشمانش فهمیدم که داشت التماس می-کرد: برو برادر برو که امام تنهاست ...».

راوی در بخش‌های مختلف روایت خود به جنبه‌های دیگر حماسه رزمندگان اسلام در طلائیه اشاره می‌کند. او از زبان قرآن، رمز پیروزی رزمندگان را در سختی‌ها و مشکلات برای مخاطب خود تقوا معرفی می‌کند و موضوع را چنین شرح می‌دهد «اینجا طلائیه است... ۳۱ سال پیش در ۳ اسفند ۱۳۶۲عملیات خیبر که اولین عملیات آبی– خاکی بود، در این منطقه انجام شد. تردد در آب و هور به‌شدت دشوار است، به‌ویژه با موانعی که دشمن ایجاد کرده بود، کار بچه‌های ما سخت‌تر می‌شد. خب در این شرایط سخت، بچه‌های ما پل خیبری را برای عبور از هور احداث کردند. ابتکار ساخت این پل در تاریخ جنگ‌های دنیا کم‌نظیر و شاید بتوانیم بگوییم بی‌نظیر بوده است. رفقا یک سؤال: رزمنده‌های ما فن پل‌سازی را از کجا آموزش دیده بودند!! قرآن جواب می‌دهد، راه را قرآن به‌خوبی روشن کرده است: آیه ۲ و ۳ سورهٔ طلاق؛ و من یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لایحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیئ قدرا. منظور این است که هرکسی تقوا داشته باشد، هرکسی برای خدا حریم قائل شود خدا هم راه را به او نشان می‌دهد! شهدای ما بین خود و گناه خط قرمز کشیدند و خدا هم به ذهن و دست و بازویشان برکت داد و راه را هموار کرد».

راوی در بخش دیگر روایت خود، ایثار و فداکاری را در داستان خانواده شهیدان باکری به‌خوبی بیان می‌کند «... خواهر شهیدان باکری می‌گوید «برادرمون علی را ساواک برد و کشت و جنازه‌ش را تحویل نداد. حمید هم سال ۱۳۶۲در همین مناطق شهید شد و جنازه‌ش جا ماند». درواقع، مهدی باکری داداش حمید نگذاشت که جنازه حمید را برگردانند به عقب. می‌گفت چون این امکان برای برگرداندن شهدای دیگر فراهم نیست، پس بگذارید حمید هم پیش رفقای شهیدش همانجا توی خط بماند! سال بعد، مهدی باکری هم در عملیات بدر شهید شد و جنازه او هم به آب دجله سپرده شد و برنگشت. خدایی فردای قیامت اگر علی و حمید و مهدی باکری جلوی ما را بگیرند، باید چه جواب به آنها بدهیم؟!»

حمید هم سال ۱۳۶۲در همین مناطق شهید شد و جنازه‌ش جا ماند». درواقع، مهدی باکری داداش حمید نگذاشت که جنازه حمیـــد را برگردانند به عقب. می‌گفت چون این امکان برای برگرداندن شهدای دیگر فراهم نیست، پس بگذارید حمید هم پیش رفقای شهیدش همانجا توی خط بماند! سال بعد، مهدی باکری هم در عملیات بدر شهید شد و جنازه او هم به آب دجله سپرده شد و برنگشت.

راوی در بخش مباحث حماسی و معرفتی، با زدن تلنگرهای متناسب با یادمان، تلاش می‌کند روایتی معیار ارائه دهد. راویان حاضر در طلائیه علاوه بر اینکه تلاش می‌کردند مباحث را متناسب با نیاز مخاطب انتخاب و مطرح کنند، تلاش می‌کردند جزئیات این مباحث را هنرمندانه و به‌گونه‌ای بیان کنند که به ایجاد فضایی معنوی و معرفتی در مخاطبان کمک کند:

۱. مقاومت عاشورایی (با اشاره به حماسه‌آفرینی فرماندهان و رزمندگان یگان های سپاه در طلائیه و جزایر)؛

۲. فرمان امام برای حفظ جزایر، پیوند امام و رزمندگان، ولایتمداری رزمندگان اسلام؛

۳. طلائیه، آوردگاه جهاد، حماسه و جانبازی فرماندهان در خط مقدم؛

۴. درس‌های طلائیه: توکل، تلاش و مقاومت عامل پیشرفت و پیروزی نظام اسلامی؛

۵. سیره عملی شهدا (راوی تلاش می‌کند با مروری بر خاطرات و بیان منش و سیره رفتاری فرماندهان و شهدای شاخص به ایجاد فضایی درس‌آموز در روایت طلائیه کمک می‌کند. نام ابراهیم همت، حمید باکری، مهدی باکری، حسین خرازی، احمد کاظمی، علی هاشمی، عباس کریمی، علی تجلایی، مرتضی یاغچیان، اکبر زجاجی، بهروز غلامی و... صدها شهید گمنام دیگر با نام طلائیه و خیبر پیوند خورده است. مسلماً راویان با مرور خاطرات این شهدا می‌توانند در معرفی الگوهای عملی به مخاطب کمک کنند).

نقاط قوت روایت

در بررسی این روایت برخی از شاخص‌های روایت مطلوب را هم برشمرده‌ایم:

۱. شرح مباحث به زبان ساده و فهم‌پذیر: سادگی در بیان و گفتار از ویژگی‌های روای اثرگذار است، به‌ویژه در شرح عملیات-های نظامی و مباحث مربوط به جنگ. راوی در این روایت، برخی نکات چکیده و مهم عملیات خیبر را با بیانی ساده و نیز خلاصه برای مخاطبان خود بیان می‌کند که این امر از نکات مثبت روایت تلقی می‌شود، هرچند می‌توانست توضیح مفصل‌تری از عملیات ارائه دهد.

۲. اشاره به سختی‌ها در جنگ: راوی در حین روایت به شرایط سخت رزمندگان در شب‌های عملیات اشاره می‌کند. توصیف صحنه‌های دشوار، به ترسیم واقعیات جنگ در ذهن مخاطب کمک می‌کند. بدین‌ترتیب، مخاطب بهتر می‌تواند بهتر درک کند که نسل قبل چه زحماتی در دوران جنگ برای حفظ انقلاب و اسلام متحمل شده‌اند، به‌ویژه یادمان طلائیه که به سرزمین سختی و مقاومت مشهور بوده است و ظرفیت پرداختن به چنین موضوعاتی را دارد. در این روایت نیز راوی به‌خوبی شرایط سخت مقاومت در طلائیه را برای مخاطبان توصیف می‌کند «... خلاصه بچه‌های لشکر۲۷ محمد رسول الله (ص) به‌عنوان خط‌شکن وارد عمل شدند. به سه‌راهی شهادت رسیدند ... همین نقطه. دشمن خیلی فشار آورد ... روی خاکریز دولول ضدهوایی کار گذاشته بودند. ضدهوایی که قرار بود هواپیما را بزند، بچه‌های ما را نشانه گرفته بود. ولی خب بچه‌های ما هم آسمان‌پیما بودند ... بچه‌های لشکر ۲۷ در این منطقه به شدت به کمک نیاز داشتند. نیروهای پشتیبان باید خودشان را می‌رساندند».

۳. پیوند عاشورا و جنگ: رزمندگان اسلام در هشت سال دفاع مقدس به علت انس با مفهوم عاشورا و شهادت، خطوط اصلی جهاد و دفاع را شناختند و بر مبنای همین رویکرد الهی و معنوی و با عشق و شور و حماسه، در جبههٔ حق علیه باطل به بهترین وجه نقش‌آفرینی کردند و تا پای شهادت برای حفظ انقلاب پیش رفتند. راویان باید بر همین مبنای اعتقادی شیعه، حوادث حماسی عملیات‌ها را هنرمندانه و شاعرانه با عاشورا و امام حسین (ع) مرتبط کنند. اوج این ارتباط حماسی بین عاشورا و جنگ در روایت حاضر، آن جایی است که در یکی از شب‌های عملیات خیبر و در شرایط سخت مقاومت، حاج حسین خرازی با تأسی از امام حسین (ع) در شب عاشورا، یاران و هم‌رزمان خود را در لشکر ۱۴ امام حسین (ع) گرد خویش می‌آورد و آنها را در رفتن یا ماندن مخیر می‌کند.

روایت راویان دفاع مقدس، یادمان طلائیه، اسفند ۹۵

۴. بهره‌گیری از آیات قرآن برای تبیین مسائل: یکی از نقاط قوت روایت‌های راهیان نور و دفاع مقدس، بهره‌مندی از مفاهیم آیات الهی متناسب با فضای روایت است. راوی نیز در این روایت ودر بخش‌های مختلف آن، از آیات نورانی قرآن برای تبیین مسائل و مطالب بهره می‌گیرد. برای مثال، آنجا که قصد دارد دلایل موفقیت رزمندگان اسلام را برای مخاطبان بیان کند، ضمن اشاره به آیات دوم و سوم سوره طلاق، به عنصر تقوا و نقش آن را در برکات و موفقیت‌های زندگی اشاره می‌کند.

۵. تبیین روش و سیره زندگی رزمندگان (ارائه الگوی سبک زندگی اسلامی): راوی در بخش‌های مختلف روایت خود با اشاره به سیره شهدا، ابعاد موفقیت شهدا را در قالب سبک زندگی اسلامی به مخاطبان خود ارائه دهد. ابعادی از زندگی شهدا که در این روایت بیان می‌شوند عمدتاً عبارت‌اند از: توجه به نماز و قرآن، ایثار و مقاومت و اخلاص.

۶. پرداختن به جنبه‌های تدبیر و عقلانیت در جنگ: یکی از نقاط قوت در روایت‌های راهیان نور، بحث دربارهٔ مسئله عقلانیت در جنگ است. بسیاری از راویان، اتفاقات بزرگ جنگ را در پرتو صرفاً امدادهای غیبی و الهی شرح می‌دهند و به جنبه‌های عقلانیت رزمندگان و فرماندهان، و تلاش‌ها و تدبیرهای آنان، آن‌گونه که باید توجه نمی‌کنند. مسلماً برای مخاطبان راهیان نور، به‌ویژه برای قشر دانشجو بحث دربارهٔ جنبه‌های مدیریت و تدبیر رزمندگان در عملیات‌ها جذاب و شنیدنی خواهد بود.

"پل خیبری" موضوعی مهم در عملیات خیبر است که برای اشاره به وجود عقلانیت در جنگ سوژهٔ مناسبی است. این نبوغ و خلاقیت در خاطرات فرماندهان و رزمندگان در عملیات خیبر بیان شده است و راوی نیز در این روایت با پرداختن به آن هرچند کوتاه، عقلانیت و تدبیر در جنگ را برای مخاطبان خود تاحدودی تبیین می‌کند.

۷. استفاده از طنز حین روایت: استفاده از طنز در ادبیات افراد همیشه موجب نشاط و جذابیت بوده است.

در نقل روایت نیز استفاده از طنز یک قوت محسوب می‌شود. راویان باید در برخی از بخش‌های روایت در حد توان، صحبت‌های خود را با چاشنی طنز بیامی‌زند. این امر خود باعث همدلی و همراهی مخاطب با راوی و روایت خواهد شد. در این روایت نیز راوی آنجا که لازم است برای همراه‌کردن ذهن و دل مخاطب از چاشنی طنز به‌خوبی بهره می‌گیرد.

۸. تأکید بر آرمان‌ها: راهیان نور درواقع فرصتی مناسب برای انتقال مفاهیم نورانی انقلاب اسلامی و آرمان‌های متعالی شیعه است. راوی در این روایت با شرح فضای مقاومت سخت و سنگین در طلائیه و با اشاره به موضوع مدافعان حرم و شهدای این راه که در امتداد راه دفاع مقدس، امروز در مرزهای اسرائیل علَم مبارزه را برافراشته‌اند، درواقع هدف متعالی مدافعان حرم را در قالب این جمله که از جملات معروف امام راحل و بخشی مهم از آرمان انقلاب اسلامی به‌شمارمی‌رود، چنین بیان می‌کند «که هر جا ظالمی هست، مبارزه هم هست» و چنین نتیجه می‌گیرد که جهاد همچنان ادامه دارد. به‌هرحال، طرح صحیح و به‌موقع آرمان‌های انقلاب اسلامی از مؤلفه‌های یک روایت مطلوب به‌شمار می‌رود.

راوی در این روایت با شرح فضای مقاومت سخت و سنگین در طلائیه و با اشاره به موضوع مدافعان حرم و شهدای این راه که در امتداد راه دفاع مقدس، امروز در مرزهای اسرائیل علَم مبارزه را برافراشته‌اند، درواقع هدف متعالی مدافعان حرم را در قالب این جمله که از جملات معروف امام راحل و بخشی مهم از آرمان انقلاب اسلامی به‌شمارمی‌رود، چنین بیان می‌کند «که هر جا ظالمی هست، مبارزه هم هست» و چنین نتیجه می‌گیرد که جهاد همچنان ادامه دارد. به‌هرحال، طرح صحیح و به‌موقع آرمان‌های انقلاب اسلامی از مؤلفه‌های یک روایت مطلوب به‌شمار می‌رود.

۹. بیان واقعیات جنگ: راویان در روایت‌ها باید سعی کنند با چاشنی حماسی و معنوی به جنبه‌های واقعی جنگ نظیر سختی مقاومت در جبهه‌ها و مظلومیت رزمندگان اسلام بپردازند. یکی از این واقعیات جنگ که در روایت طلائیه جلوه خاصی دارد، حضور فرماندهان لشکرها و یگان‌های همدوش با رزمندگان دیگر در خط مقدم است. هرچند در عمده عملیات‌های دوران دفاع مقدس، فرماندهان در جلوی خط مقدم، مسئولیت هدایت نیروهای خود را بر عهده داشتند، این حضور، در عملیات خیبر به‌علت شرایط سخت نبرد و تأکید بر حفظ جزایر مجنون، جلوه بیشتری داشت. شاید یکی از دلایل عمده شهادت تعداد زیاد فرماندهان در این عملیات هم همین عامل باشد. به‌هرحال این نکته از واقعیات جنگ در این روایت، به‌ویژه در جایی که راوی به رشادت‌های حسین خرازی و ابراهیم همت اشاره می‌کند، مطرح شده است.

۱۰. پاسخ به شبهات و بصیرت‌افزایی: بحث دربارهٔ دلایل آغاز جنگ، ادامه و پایان جنگ، هدررفتن خون شهدا، بحث امواج انسانی (تلفات بیجا)، بی‌برنامه جنگیدن، ناکارآمدی نظام و انقلاب و... را می‌توان در دل روایت‌ها جای داد و پاسخ های مستدل برای مخاطب ارائه کرد. راوی باید در حین روایتگری به شبهات اساسی و پرسش‌های مهم دربارهٔ جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی اشاره کند و برای پاسخ به آنها دلایل متقن و مقبول ارائه دهد. در این روایت، راوی شبهه چرایی ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر را به‌خوبی برای مخاطبان جوان خود شرح می‌دهد.

نتیجه

درمجموع، روایت آقای فلاح تهرانی از نظر پیوستگی مطالب و تناسب روایت با مخاطبان اثربخش و جذاب است و از مقاومت مردمی در برابر دشمن، تحلیلی کلی و درس‌آموز ارائه می‌دهد. واقع‌گرایی، انصاف و دوری از مبالغه از ویژگی‌های دیگر راوی در این روایت است.

چند نکته دربارهٔ ملاحظات شکلی در یادمان طلائیه

پپ. به‌طور کلی، فضای سرپوشیده این یادمان از یادمان‌های پربازدید خوزستان، کمتر است. فضاهایی که در این یادمان وجود دارد، عبارت‌اند از:

۱. مقبره شهدای گمنام که محل نماز و زیارت و گاهی استراحت زائران است و به‌نام حسینیه حضرت ابوالفضل(ع) شناخته می‌شود.

۲. پدهای روایتگری در سه‌راهی شهادت که عمدتاً با شن و ماسه مسطح شده‌اند و روباز هستند.

۳. سنگرهای هلالی سیمانی که محل اقامت خادمان و راویان استقراری هستند.

با وجود فضاهای حداقلی که به آنها اشاره شد، از نظر شکلی و محتوایی، کمبودهای اساسی در یادمان طلائیه وجود دارد که این کمبودها مسلماً بر کیفیت روایت‌ها هم تأثیر گذاشته است. اکنون به برخی از نیازمندی‌های شکلی و محتوایی یادمان اشاره می‌کنیم و امیدواریم با فراهم‌شدن آنها، شاهد افزایش کیفیت محتوای یادمان طلائیه در آینده نزدیک باشیم:

۱.تالار نمایشگاه: سالنی برای نمایشگاه دائمی و موقت دربارهٔ معرفی ابعاد مختلف جنگ در منطقه عملیاتی طلائیه؛

۲. تالار روایت: سالنی برای ارائه روایت واحد در یادمان توسط راویان شاخص با حضور متمرکز کاروان‌ها؛

۳. تالار استراحت زائران: سالن و محوطه‌ای برای صرف ناهار و استراحت کاروان‌های مستقر در یادمان؛

۴. تابلو-نوشته‌های محتوایی: نصب این تابلوها با مطالب مختصر و چکیده در معرفی حماسه بدر و خیبر در طلائیه تأثیر به‌سزایی دارد؛

۵. تابلو-عکس‌های بزرگ شهدای شاخص منطقه: زائر از طریق این تابلوها ارتباطی ذهنی و معرفتی با منطقه برقرار می‌کند.

یادمان طلائیه هم مثل یادمان‌های دیگر راهیان نور ظرفیت‌های بسیاری برای روایتگری دارد. در این یادمان، راویان می‌توانند متناسب با تعداد عملیات‌ها و یگان‌ها و محورهای عملیاتی و حوادث منطقه در طول جنگ و همچنین فرماندهان و شهدای شاخص که در این منطقه به شهادت رسیده‌اند، روایت‌های مختلفی نقل کنند.

یادمان طلائیه با وجود آنکه یکی از یادمان‌های پرتردد خوزستان در راهیان نور به‌شمار می‌رود، امکانات موجود در آن با حجم زائرانی که هر سال برای زیارت و شنیدن روایت جنگ و دفاع مقدس راهی این منطقه می‌شوند، متناسب نیست

بنابراین، لازم است متولیان امر هرچه سریع‌تر، متمرکزتر و منسجم‌تر طرحی فراهم کنند و با بسیج نیروهای فعال و اثرگزار در حوزه روایتگری، به کمک این پدیده مهم فرهنگی، تاریخی و اجتماعی کشور بیایند و در جهت نظارت، تقویت، تربیت و مدیریت راوی و روایتگری معیار اقداماتی انجام دهند که در شأن و منزلت راهیان نور باشد. با امید به اینکه مباحث طرح‌شده در این یادداشت در زمینه ارتقای روایتگری راهیان نور مؤثر واقع شود.